



این کتاب از اصلاح آنلاین دانلود شده
شما می توانید از این سایت به هزارها مقالات اسلامی،
تحلیلی، صدها قطعه ترانه ها و سخنرانی های اسلامی و
کتاب های مختلف را دانلود کنید
ادرس :

ww.EslahOnline.Net

ایا حجاب مانع پیشرفت است؟!؟

معرفی کتاب

اسم کتاب: آیا حجاب مانع پیشرفت است؟!؟
نویسنده: سیده پروین رضوی
مترجم: احمد ضیاء رحیمزی
ناشر: جمعیت اصلاح و انکشاف اجتماعی افغانستان
بخش فرهنگی و نشرات
دیزاین: جاوید خان امیری
آدرس: کابل، خوشحال مینه، ساحه الف، عقب
بلاک های رهائشی شاداب ظفر کوچه اصلاح.
موبایل: 0778191382 / 0799394015
دیجیتال: 0752021221

Email: Library@eslahonline.net
Www.eslahonline.net

برای این که جواب این سوال را دریافته باشیم که آیا حجاب مانع پیشرفت یک کشور است یا خیر، اول تر از همه باید دید که حجاب چیست؟

زیرا بدون دانستن این امر که حجاب چیست، نمی توانیم اهداف، منافع و اضرار آن را بفهمیم، بعد از فهمیدن آن، باید تصمیم بگیریم، که کدامین ترقی را ما می خواهیم به دست بیاوریم، چون بدون معلوم کردن این نکته، نمی توانیم که آیا حجاب مانعی در راه ترقی و پیشرفت است یا خیر؟

حجاب در اصل، کلمهء عربی است، که ما در لسان دری می توانیم آن را پرده هم بگوییم، کلمهء حجاب در قرآن عظیم الشان در محلی ذکر شده است که طی آن خداوند(ج) مردم را از رفتن بدون تکلف به خانهء پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم منع فرموده است.

و حکم فرموده اگر از خانم های خانه تقاضای چیزی را دارند، آن را از عقب حجاب و پرده تقاضا نمایند.

احکام حجاب سر از همین حکم آغاز گردید، و هر آنچه از احکام حجاب بعد از آن نازل شد، مجموع آن را "احکام حجاب" خواندند.

احکام حجاب در سوره های بیست و چهارمین (النور) و سی و سوم (الاحزاب) قرآن مجید، با همه تفصیلاتش موجود است.

طی احکام حجاب به زنان امر شده است که در خانه های خویش با وقار بیاسایند، آن چنان که خانم ها در زمان جاهلیت عادت داشتند، حسن و آرایش خود را به نمایش نگذارند اگر بیرون برآمدن از خانه برای شان ضرور باشد، با چادری بزرگی خود را بپوشانند، و زیوری را که از آن آواز آید، نباید در هنگام خروج از منزل بپوشند، در داخل خانه های خویش نیز بین مردان محرم و نامحرم فرق کنند، به جز از مردان محرم، خادمان خانه، و زنانی که با آنها نشست و برخاست دارند، در مقابل سایرین، بازیئت و آرایش ظاهر نشوند.

(مفهوم از زینت در اینجا آرایش یا میک اپ است که لباس، زیور خوش نما و استعمال سامان آلات آرایش هم در آن شامل است).

بعد هم زنان را هدایت نموده تا در مقابل مردان محرم نیز چادر را بر گریبان ها و سینه های خویش پهن نموده، و محلات ستر بدن خویش را بپوشانند. به مردان خانه نیز هدایت نموده است تا ولو اگر نزد خواهران و مادران خویش می روند، اجازه بگیرند (دق الباب کنند)، مبادا دفعتهً نگاه آنها به حالتی بیفتد که قسمتی از جسم خواهران و مادران برهنه باشد.

این احکامی است که در قرآن ذکر شده است و نام آن را "احکام حجاب" گذاشته اند، نبی کریم صلی الله علیه وسلم در تشریح این احکام فرموده اند که ستر خانم ها (محلات پوشیده، جسم خانم ها) بدون چهره، دست ها تا بند دست و پاها الی بجلک پاها، همه جسم ایشان است که باید حتی از پدران و برادران خویش نیز آن را بپوشانند.

همچنان خانم ها نباید چنان لباس باریک یا چسپ بپوشند که خطوط جسم آنها را نمایان سازد. به همین گونه رسول

آیا حجاب مانع پیشرفت است؟!

اللّه صلی اللّه علیه وسلم به جز مردان محرم، تنها نشستن یا تنها بودن زن را با سایر مردان منع فرموده اند، و رسول اللّه صلی اللّه علیه وسلم زنان را از این کار منع فرمودند که در بیرون از منزل خوشبویی یا عطر استعمال کنند.

در داخل مسجد هنگام نماز جماعت رسول اللّه صلی اللّه علیه وسلم، جایگاه جداگانه‌ی بی برای مردان و زنان تعیین نمود، و اجازه نداد تا زن و مرد شانه به شانه هم، در یک صف نماز بخوانند.

در صدر اسلام رسول اللّه صلی اللّه علیه وسلم و همه مردان بعد از ختم نماز، تا هنگامی در مسجد می نشستند که زنان از مسجد بیرون شدند.

این همه احکامی است که هر کسی بخواهد می تواند، آن را در سوره (النور) سوره (الاحزاب) و کتب مستند احادیث، مشاهده کند.

آنچه را ما امروز حجاب می نامیم، ولو اگر در شکل عملی خود شکار افراط و یا تفریط شده باشد، ولی اصول و قواعد آن همان است که خداوند و رسول وی صلی اللّه علیه

آیا حجاب مانع پیشرفت است!؟

وسلم در جامعه اسلامی صدر اسلام، در مدینه منوره نافذ نموده بودند.

گرچه بند نمودن دهان کسی به نام خدا و رسولش درست نیست، ولی باید به صراحت بگوییم که بلند نمودن این شعار که "حجاب مانع پیشرفت ماست" نشانه بارزی از ذهنیت دو جانبه و دوگانه ماست. و بهتر است بگوییم که هدف اصلی این گونه شعارها نشانه‌ی بی‌اعتمادی ما برذات خداوند و رسول خدا صلی الله علیه وسلم است. و مفهوم واضح این گونه شعارها این است که گویا خداوند و رسولش، در راستای پیشرفت و ترقی مان موانعی ایجاد نموده اند!!

و اگر ما چنین فکر می‌کنیم، پس چرا جبراً خود را مسلمان نشان می‌دهیم، و چرا از پذیرفتن دین خدا و رسولش انکار نمی‌ورزیم که برما العیاذ بالله چنین ظلمی را روا داشته اند؟

و از این سوال نمی‌توانیم با این جواب سرسری، بگذریم که خدا و رسولش ما را به رعایت نمودن حجاب امر نه نموده اند!! چنانچه در بالاتذکر داده شد که حجاب چیست؟

چه معنی دارد، و هر کسی بخواهد، می تواند احکام تفصیلی حجاب را در سوره های قرآن عظیم الشان، و کتب مستند احادیث مطالعه نمایند.

و اگر کسی از صحت احادیث منکر باشد، باز هم احکام واضح قرآن را چگونه می تواند انکار نماید؟ اگر احکام حجاب را که اسلام ما را به آن امر نموده است، اندکی با دقت مطالعه کنیم، سه هدف بزرگ آن را طور ذیل می توانیم بفهمیم:

۱- تا از اخلاق مرد و زن مواظبت به عمل آمده، دروازه آن همه خرابی ها مسدود شود که در نتیجه روابط آزادانه مرد و زن در جوامع مختلط پدید می آید.

۲- تا محدوده کاری زن و مرد از هم جدا گردیده، و به این ترتیب، وظایفی را که فطرت برای زن سپرده است باسکون و آرامش انجام دهد، و خدماتی که مرد مکلف به انجام دادن آن است، با اطمینان بتواند به جابجاورد.

۳- تا نظام خانه و خانواده را قوی و محفوظ سازد، که اهمیت آن به هیچ وجه کمتر از سایر نظام های زندگی نیست، بلکه بیشتر هم است. آنانی که بدون حجاب نظام

آیا حجاب مانع پیشرفت است؟!

زنده گی و خانواده را محفوظ ساخته اند، در حقیقت زن را غلام ساخته و او را از همه حقوق وی محروم نموده اند، و کسانی که با اعطای حقوق به زنان، ایشان را از پیروی حجاب معاف ساخته اند، نظام خانواده و زنده گی آنها فروپاشیده است، و روز به روز پاشیده تر می گردد.

در حالی که اسلام از یک سو همه حقوق زن را، برایش می دهد، و همراه با آن نظام خانواده و زندگی را نیز می خواهد محفوظ نگه دارد، و این هدف تا هنگامی حاصل شده نمی تواند که احکام حجاب، برای حفاظت از آن موجود نباشد. بیایید با خون سردی تمام روی اهداف و مقاصدی فکر کنیم که اسلام می خواهد آن را از طریق رعایت حجاب، به دست بیاورد.

اگر اخلاق نزد کسی ارزش داشته باشد، پس باید دقت نماید که در جامعهء مختلط، وقتی زنان بعد از آن که خود را می آریند و آزادانه گشت و گذار می کنند، و در هر بخش کاری در زندگی در کنار مردان اجرای وظیفه می نمایند، در آنجا چگونه می توان از فاسد شدن اخلاق جلوگیری کرد؟

و تا وقت اخلاق جامعه از فاسد شدن، نگهداری خواهد شد؟

چنانچه ما در کشور های خود مشاهده می کنیم که به هر اندازه سیستم اداری مختلط افزایش می یابد، به همان اندازه به جرایم جنسی افزوده می شود، و این گفته که سبب اصلی این خرابی ها و مفاسد پرده و حجاب است، و وقتی پرده نباشد، دل های مردم از زنان سیر خواهد شد، به کلی غلط است.

چنانچه در کشور هایی که بی حجابی و آزادی کامل حکم فرماست، نیز دل مردم سیر نشده است، و خواسته های هوس آلود آنها کار را به سر منزل عریانی کامل رسانید! و تا حال از اجازه نامهء برهنگی کامل دل آنها سیر نمی گردد. همان گونه که مشاهده می کنیم فعلاً هم جرایم جنسی بیشتر در آن دیار اتفاق می افتد، و آن گونه که گزارش ها این گونه جرایم زینت صفحات جراید امریکا، انگلستان، و سایر کشور ها می گردد.

آیا این گونه حالت، حالت قابل اطمینان است؟

این موضوع تنها موضوع اخلاق نیست، بلکه موضوع فرهنگ و عنعنه ماست! به هر اندازه ای که جوامع مختلط افزایش می یابد، مصارف آرایش و لباس خانم ها هم به همان اندازه افزایش پیدا می کند.

و آنگاه عایدات جایز خانواده ها، برای این مصارف ناکافی گردیده، در نتیجه هرسو رشوت، اختلاس، وسایر حرام خوری ها، افزایش می یابد.

چنانچه همین حرام خوری ها باعث شده، تا هیچ قانونی در کشور ها و جوامع ما به طور درست آن نافذ و تطبیق نگردد، و همچنان این نکته هم قابل غور است که کسی در مورد خواسته های خود به نظم و دسپلین عادت نداشته باشد، چگونه می تواند در سایر معاملات پابند نظم باشد. در زندگی خانوادگی خود، وفادار نباشد، چگونه می توان از وی توقع داشت که در مسایل ملی و کشوری، وفادار خواهد بود؟

جدا نمودن دایره های کاری مرد و زن به ذات خود، از تقاضای فطرت است، وقتی فطرت وظیفه مادری و مادر شدن را به زن سپرده است، به خوبی واضح ساخته است که

آیا حجاب مانع پیشرفت است؟!

محل اصلی وظیفهء خانم در کجاست؟ و هنگامی که وظیفهء پدری و پدر بودن را به مرد سپرده است، خود واضح است که برای اجرای چه اموری، او را از بارسنگین مادر بودن، فارغ ساخته است؟

خداوند برای اجرای هر دو قسم خدمات وامور برای زنان و مردان اجسام جداگانه و متفاوت از همدیگر اعطا نموده است، و برای هر دو نیز درهای جداگانه اعطا نموده است، صفات جداگانه داده است، و حتی حالت روانی هر دو را متفاوت خلق نموده است.

کسی را که فطرت برای مادر شدن پیدا نموده است، برایش صبر و تحمل بخشیده است، درخوی و عاداتش نرمی آفریده در وجودش مهر مادری را جایگزین ساخته است، و اگر این چیزها نزد زن نمی بود امروز ما و شما در این حالت کنونی قرار نمی داشتیم.

کسی را که برای این کار گماشته شده، برای کارهایی که در آن به سخت خویی و سختی ضرورت است، موزون نیست. و این گونه کارها که در آن به سختی و سخت مزاجی ضرورت است برای کسی موزون شمرده می شود که برای

مادر شدن، آفریده نشده است. و او را از مسئولیت های بزرگی آزاد نگه داشته اند که برای مادر شدن لازم است. و اگر کسی می خواهد این تقسیم فطرت را از بین برد، پس باید فیصله کند که دیگر در روی جهان ضرورتی برای مادر وجود ندارد، و پس از گذشت یک مدتی نسل انسان بدون استعمال بم اتم و بم های درو جنی، خود به خود منقرض خواهد شد.

ولی اگر تصمیم ندارید که مادر شدن را در روی جهان خاتمه بخشید، و تقسیم فطرت را هم در مورد وظایف و وجایب زن و مرد نمی پذیرید، پس این بی انصافی بزرگ با زن است، که هم بار بزرگی را که فطرت بشری بر دوش وی گذاشته بردارد، باری را که مرد به اندازه یک انگشت هم نمی تواند در برداشتن آن باوی همکاری کند، و همگام با آن زن باید در کار های سیاست، تجارت، صنعت و پیشه وری، و جنگ و جدل، شانه به شانه مردان سهم بگیرد.

حال بیایید اندکی با ذهن آرام بیندیشیم، نیم قسمت از خدمت به انسانیت آن است که همه را به طور کامل زن انجام می دهد، هیچ مردی به اندازه یک ذره هم نمی تواند در

برداشتن آن بار باوی کمک نماید، و حال شما تقاضا دارید تا از نصف باقی مانده آن هم، نیم حصه آن را زن بردوش گیرد؟ به این ترتیب سه بر چهار حصه مسئولیت ها یا سه بر چهار حصه این بار بردوش زن ها گذاشته شد، و یک بر چهار آن بردوش مرد ها، آیا انصاف همین است؟

و خانم ها هم به خاطری این ظلم را با خوشی قبول نموده اند، بلکه با اصرار و پافشاری این بار مسئولیت را به دوش می گیرند که جامعه از اعطای حیثیت و عزت برای آنها به حیث زن، انکار نموده است.

جامعه امروزی زن صاحب اولاد را مورد تمسخر قرار داده و زن خانه دار را بی حیثیت می خواند.

همه خدماتی را که زن در خانواده انجام می دهد، و خدماتی که به هیچ وجه انجام دادن آن از کار های مردان همچون سیاست، اقتصاد، و جنگ کمتر ضروری یا کمتر مفید نبودند، جامعه آن خدمات و کار ها بی ارزش جلوه داد. و زن مجبوراً در تلاش عزت، قدر و منزلت، برای اجرای کار های آماده گردید که در حقیقت باید آن را مرد انجام می داد، زیرا اگر خود را مرد نمی ساخت، کار های مردانه را

آیا حجاب مانع پیشرفت است؟!

انجام نمی داد، جامعه حاضر نبود تا برایش عزت و حیثیتی قایل شود.

اسلام زن را آن قدر مورد عطوفت و مهربانی قرار داده است که باوجود زن بودن و همراه با انجام خدمات زنانه، برایش حیثیت و مقامی مساوی با مرد اعطا نموده است و حتی در مقام مادری مقام والاتر از مرد را برایش داده است. حال که جامعه امروزی ادعا دارد که حجاب مانع پیشرفت جامعه است، به این معنی است که از زن تقاضا دارد تا هم مادر باشد، هم قاضی در محکمه و هم از طریق رقص و سرود برای تفریح مردها وقت بدهد، و به این گونه جامعه امروزی آن قدر بار برشانه های زن می گذارد که بالآخر توانایی انجام دادن هیچ گونه خدمتی را نداشته باشد. جامعه امروزی تقاضای انجام کاری را از زن دارد که او برای آن آفریده نشده است. و زن را به میدانی می کشاند که نمی تواند در آنجا با مرد مقابله کند. جایی که مرد از او پیش قدم خواهد بود.

درجایی که اگر زن بتواند حق خود را به دست بیاورد، تنها در حال ترحم بر زن بودن او خواهد بود، یا به عبارت

دیگر زن از دیدگاه زن حق خود را تنها از راه " جمال" و زیبایی به دست آورده می تواند نه از طریق کمال، چون از دیدگاه جامعه امروزین، اجرای این کارها برای پیشرفت کشور ضروری شمرده می شود.

خانه و خانواده که جامعه امروز، در خوشحالی ترقی و پیشرفت اهمیت آن را فراموش نموده است، در حقیقت فابریکه یی است که انسان در آن ساخته می شود، که به یقین اهمیت و ضرورت آن از فابریکه های تولید کننده توپ و تفنگچه کمتر نیست. مواصفات، حالت روانی، و استعدادی که برای پیشبرد امور چنین فابریکه (فابریکه انسان سازی) ضرورت است، فطرت همه آن را در وجود زن آفریده است، تلاش، زحمت کشی و سخت کاری که برای پیشبرد این فابریکه ضرورت است، فطرت بیش از همه آن را بر شانه های زن بار نموده است.

کار برای انجام دادن در این نوع فابریکه ها خیلی زیاد است، و اگر کسی با احساس مسوولیت، و آن گونه که حق آن است این کارها را بخواهد انجام دهد، شاید وقت سرخاریدن هم نیابد، و اگر در پیشبرد امور این گونه

فابریکه های انسان سازی، هر قدر از استعداد، سلیقه و دانشمندی کار گرفته شود، به همان اندازه انسانی دارنده صفات بلند در آن ساخته می شود. و برای این کار ضرورت است تا زن را از تعلیم و تربیه خوب هرچه بیشتر مستفید سازیم، و برای این که امور این گونه فابریکه های انسان سازی، با سکون اطمینان و اعتماد به پیش برده شود، اسلام نظم و دسپلین حجاب را نافذ ساخت، تا زن بتواند با اطمینان خاطر کار خود را انجام دهد، و توجه وی به سمت های نادرست معطوف نگردد. و مرد هم با اطمینان کامل، این بخش زندگی را به زنان رها سازد.

ولی حال جامعه می خواهد، این نظم و دسپلین را به خاطر پیشرفت و ترقی کشور، از بین ببرد.

اما بعد از خاتمه این نظم و دسپلین، یکی از این دو صورت طبعاً حاکم خواهد شد، یا باید زن را با پیروی از تمدن های هندی، و تمدن های پیشین عیسویت و یهودیت به شکل غلام نگه داریم تا نظام زندگی خانوادگی از هم نپاشد. یا باید برای این امر آمادگی بگیریم که فابریکه های انسان سازی، از بین رفته، فابریکه های تولید تفنگچه، و

توپ، رشد و انکشاف نماید. به صراحت باید گفت که امکان ندارد، که همراه با برقرار نگه داشتن حقوق کامل قانونی و اقتصادی که اسلام به زنان داده است، کسی دسپلین و نظام نافذه اسلام را بشکند، و با وجود آن نظام خانوادگی وی از تباهی و بربادی نجات یابد.

پس بهتر است هر معیاری از "ترقی" و پیشرفت" را که شما در ذهن خویش دارید، با در نظر داشت آن، بیندیشید که شما چه چیزی را می خواهید به دست بیاورید، و آمادگی از دست دادن چه چیزی را دارید.

ترقی و پیشرفت یک کلمه بسیار وسیع و با مفهوم بزرگ است. و نمی توان به یک مفهوم واحد و یگانه برای آن اکتفا کرد.

مسلمانان یک زمانی بر ساحت وسیعی از زمین از خلیج بنگال گرفته تا بحر اطلانتیک حکمرانی داشتند، همچنان در رشته های ساینس و فلسفه استاد همه جهان بودند، در راستای تهذیب و تمدن هیچ قومی در جهان نمی توانست با ایشان همسری کند، ولی معلوم نیست که از دید گاه کدام قاموسی می توان این همه پیشرفت را "ترقی" نامید یا خیر؟

آیا حجاب مانع پیشرفت است؟!

ولی اگر این را می توانیم ترقی بگوییم، پس این پیشرفت و ترقی مربوط به جامعه ایی است که حجاب و پرده به سختی در آن رایج بود. تاریخ اسلام مملو از نام های اولیا، مدبرین، علما، حکما، مصنفین و فاتحین بزرگ است، و حتمی است که این گونه افراد عظیم الشان در آغوش مادران جاهل بزرگ نشده اند، همچنان در تاریخ اسلام نام های زنان بسیار بزرگوار را در می یابیم، این عده، خانم هایی بودند که در علم، فن و ادب به درجه کمال رسیده بودند، ولی حجاب هیچ گاهی مانع چنین پیشرفت مسلمانان نگردیده بود، و نخواهد گردید.

امروز هم اگر ما با همان گونه ترقی و پیشرفت دلچسپی داشته باشیم "حجاب" مانع ما نمی گردد، ولی اگر مفهوم از ترقی و پیشرفت در نزد مردم تنها آن نوعی از ترقی باشد که اهل غرب به آن رسیده اند، یقیناً که در موجودیت حجاب، نمی توانیم به آن گونه ترقی دست یابیم. ولی نباید فراموش کرد که جهان غرب بابه خطر انداختن نظام اخلاقی و خانوادگی خویش توانسته اند، این پیشرفت و ترقی را به دست بیاورند.

آیا حجاب مانع پیشرفت است؟!

ترقی و پیشرفت غرب زن را از محدودهء کاری خودش به حیث زن، خارج نموده و او را داخل محدودهء کاری مرد نموده است.

به این گونه جامعهء غربی اگر از یک سو توانست برای پیشبرد امور دفاتر و کارخانه های خود دست دوم (توانایی زن) را دریابد، و به ظاهر به پیشرفت و ترقی هم نایل آمد، ولی سکون و راحت خانوادگی خود را از دست داد.

اگر امروز هم کدام منزلی در جامعهء غربی آباد است تنها از برکت خانم های خانه است.

خانم هایی که شانه به شانه با مردان کار می کنند و پول به دست می آورند، در هیچ نقطه یی ازدنیا نظام خانواده گی را به پیش نمی برد، و نه هم می توانند آن را به پیش ببرند.

ازدواج های این طبقه با یک طلاق خاتمه می یابد. اولاد ایشان تباه می شوند، این طبقه اگر جایی برای بود و باش دارند، یا کلپ است، یا هتل، خانه و منزل دیگر برای

آیا حجاب مانع پیشرفت است؟!؟

ایشان جای سکون و آرامش نیست، و کار ساختار انسان خوب برای جایگزینی خود را این طبقه، ترک نموده اند. حال اگر به این نوع ترقی کسی دل می بازد، می تواند، دل ببازد.